

# آینه دوست

محبوبترین برادران و دوستان من کسانی هستند که عیبهای مرا بعنوان «هدیه» به من بگویند .

امام صادق (ع) (۱)

میباشند و چه بسا کار ناپسندی را بعلت سوء تشخیص، بعنوان کار نیک، مرتکب میشوند، ظلم و بیدادگری و تجاوز بحقوق دیگران را از صفات پسندیده انسان دانسته به اعمال غیر انسانی دست میزنند، تا آنجا که بر اثر همین اشتباه و تکرار آن، کارهای زشت و ناپسند، جزء عادات و ملکات آنان گشته از تبهکاری لذت می برند .

وبالاخره افراد دیگری هم وجود دارند که حتی صالح زندگی داخلی و شخصی خود را هم تشخیص نمیدهند! اینگونه افراد، ممکن است اجتماعی را از مسیر طبیعی تکامل منحرف ساخته آنرا تا پرتگاه سقوط بکشانند! .

اگر روحیات و ویژگیهای مردم را مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که افراد، تفاوت بسیاری دارند، عدهای هستند که از خوبیها خوششان می آید و به کرد بدیها نمیگردند، بعلاوه، نیک و بد را هم بخوبی تشخیص میدهند، علم و دانش، تقوی، عدالت، آزادگی ... و همه فضائل انسانی را دوست میدارند، و از ظلم و تعدی، جهل و تزویر، ریا و تملق، ... متنفرند اینان افرادی آزاده، روشن و پاک هستند، ولیاقت آنرا دارند که اجتماعی را اداره نمایند .

جمعی دیگر هستند که خوبیها را دوست داشته از زشتیها بیزارند، لکن از تشخیص نیک و بد ناتوان

(۱) تحف العقول صفحه ۳۶۶

مکتب اسلام

اینجا است که انتقاد به معنی صحیح و خیر اندیشی لازم است، وسکوت و محافظه کاری برخلاف انسانیت می باشد .

انسان نوع دوست، باید به وسیله انتقاد در راهنمایی، مانند آفتاب درخشان بر سر راه آنان قرار گیرد و از خطر حتمی سقوط، نجاتشان بخشد .

### انتقاد در جهان کنونی

امروز برای موضوع انتقاد اهمیت بسیاری قائلند، و راستی هم انتقاد موجب رشد هر ملتی است، خمودی و سکوت هر ملت، در مقابل خلاف، دلیل بر خمودی فکر و زبونی و پستی آن اجتماع است، هر ملت و اجتماعی که در مقابل قانون شکنیها، ظلمها و تجاوزها و . . . و بالاخره در مقابل اشتباه افراد عالی و ذانی کلمه «چرا» را بکار نبرد و به دنبال آن عملاً انتقاد ننمایند، آن ملت و اجتماع با مردگان یکسانند !

امروز محافل انتقادی تشکیل میدهند تا در آن جلسات، به نقایص اعمال و افکار خود پی برده در صدد اصلاح آن برآیند :

هر دولتی، هر قدر مستبد و دیکتاتور هم باشد، و لوبه عنوان نمونه، نشریه، مجله؛ یا سخنوری را اجازه میدهد که آزادانه از اعمال بزرگان قوم انتقاد نمایند، تا غیر از آنکه در دنیا اعلام کند که : «ما آزادی و حق انتقاد به ملت خود داده ایم!» به این وسیله به اشتباهات خویش پی ببرند و اگر خواستند

آنها اصلاح نمایند. بالاخره یکی از موجبات رشد و علل پیشرفت اجتماع انتقاد است. یکی از نویسندگان انوشیروان بنام «جمیل»، در حالی که در نهایت سالخوردگی بود، به پیشگاه سرور آزادگان علی (ع) شرفیاب شد؛ ضمن گفتگو، علی (ع) به او فرمود : انسان چگونه باشد بهتر است؟ او در جواب گفت: دشمنانش زیاد باشند! حضرت با تعجب فرمود : دشمن زیاد چه فائده ای دارد؟ او در جواب عرض کرد : برای اینکه دشمن همیشه در صدد انتقاد و عیبجویی است و این امر باعث میشود که انسان همیشه در حال آماده باش بوده مواظب گفتار و کردار خود باشد تا مورد ایراد قرار نگیرد. حضرت «نتیجه گیری» او را تحسین کرد. (۱)

می بینیم افرادی که در محیطهای محدود که طبعاً انتقاد در آنها بیشتر است پرورش یافته اند، به مسائل اجتماعی وارد تر و به اصطلاح ساده، پخته و آزموده تر میگردند، برعکس افرادی که در محیطهای بی قید و بند زندگی کرده اند و کسی به اعمال آنان توجهی نداشته و انتقادی نکرده است، در هر رشته و صنفی که هستند، معمولاً به مسائل اجتماعی و اخلاقی وارد نیستند !

در تعریف دوست خوب گفته اند: دوست آنست که عیب دوست را مانند آئینه رو بر و بگوید و از اعمال نادرست او انتقاد نماید، و کسیکه نقایص و اشتباهات دیگری را تذکر ندهد، او را دوست واقعی نمیگویند !

(۱) سفینه البحار «جمل»- البته منظور این نیست که انسان کاری کند که دشمن زیاد داشته باشد، بلکه باید از انتقاد مردم بهره برداری نماید و در صدد اصلاح خویش برآید و عیبهای خود را بر طرف سازد اکنون چه بهتر که این انتقاد از دوست و باحسن نیت دوستانه نیز آمیخته گردد .

تکمیل و تأیید می‌شود، اینچنین نیست، او می‌گوید:  
سکوت در مقابل اشتباهات و عیوب دیگران  
گناه است!

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: باید متوجه  
باشید که مؤثرترین مردم در سعادت‌تمندی  
شما کسانی هستند که عیوب شما را به‌عنوان  
هدیه‌ای در اختیار شما بگذارند (۳)

امام صادق (ع) فرمود: یکی از حقوق واجبی،  
که برادران مسلمانان برعهده شما دارند این است  
که: باید بسان چشم آنان، نیکیها را برایشان خاطر-  
نشان سازید، و بدیها را ببینید و آنان را از آنها باز  
دارید و راهنمای ایشان باشید و همچون آئینه  
سرتاپا نما، محاسن و مفاسد، زیباییها و  
زشتیهای آنان را بازگو نمائید» (۴)

این یکی از راههایی است که می‌توانید  
دردل‌های افراد جای بگیرید

هنگامیکه می‌خواهید انتقاد کنید و عبارت دیگر  
می‌خواهید عیب و اشتباه کسی را به او یاد آور شوید،  
شرط اساسی این است که با حسن نیت و دلی  
پاک‌ویی آرایش و مملو از محبت و دوستی  
سخن را آغاز نمائید.

خود را جزئی از او بدانید، و بکشید که این  
یگانگی و خیرخواهی واقعی شما را درک نماید، در  
حال سخن گفتن، کمال ادب و احترام را رعایت نمائید،  
مواظب باشید به شخصیت او اهانت نشود، و عواطف  
و احساساتش جریحه دار نگردد، دقت کنید انتقاد  
بصورت نیش‌زدن و عیب‌جویی در نیاید که در این صورت  
نتیجه معکوس خواهید گرفت.

نظامی در آن شعر معروف و زیبایش می‌گوید:

دوست دارم که دوست عیب‌مرا

همچو آئینه روبرو گوید

نه که چون شانه باهزار زبان

پشت سر رفته موبو گوید

### انتقاد و ادیان آسمانی

مکتب‌های مادی و کسانی که هدفی جز مادیت ندارند  
مخصوصاً بسیاری از نویسندگان غرب، به علت  
ارتباط نداشتن با منبع الهام و قوانین الهی، در  
مطالب اخلاقی و اجتماعی نیز در اشتباه خطرناک  
و عجیبی فرو رفته‌اند، حتی آنانکه به اصطلاح درس  
اخلاق به مردم می‌آموزند، خود در جهل غوطه‌ورند!  
«دیل کارنگی»، نویسنده معروف آمریکائی می‌گوید:

«من و شما حق انتقاد کردن از دیگران را نداریم» (۱)

و در جای دیگر کتابش می‌نویسد! «طعمه را باید  
طوری انتخاب کرد که ماهی را خوشایند باشد» (۲)

از این دو گفتار به طرز فکر و هدف آنان، می‌توانیم  
پی ببریم، آنان همچنان که خود اعتراف کرده‌اند،

مقصودشان از رعایت مقررات اخلاقی و اجتماعی  
شکار کردن و بدام انداختن افراد اجتماع است!

و غرضی جز استعمار و استثمار مردم ندارند،! به  
همین جهت، اصلاً نمی‌توانند انتقاد بمعنی صحیح را

درک کنند، آنها می‌گویند: اگر جوانان در فساد  
غوطه‌ور شدند، دختران به اسارت درآمدند، ملتها

به بردگی کشیده شدند، به ما مربوط نیست،! ما  
می‌خواهیم بهتر نفوذ کنیم و بیشتر بیندوزیم!!

اما ندای وجدان سالم که با برنامه‌های الهی

(۱) آئین دوست یابی صفحه ۲۶ (۲) صفحه ۳۶ همان کتاب

(۳) غرر الحکم ص ۵۵۸ (۴) کافی ج ۲ ص ۱۶۹

همچنانکه در بالا خواندید در روایات اسلامی دوست واقعی به آئینه، تشبیه شده است. المؤمن مرآة - المؤمن، مسلمان آئینه مسلمان است. و اتفاقاً ادب و شعرای با الهام از منطق اسلام معمولاً این تشبیه زیبا و لطیف را بکار برده اند، تشبیه بسیار لطیف و در عین حال عمیقی است، ما میتوانیم از این تشبیه، درسهای اخلاقی را فراگیریم.

۱- معمولاً کسانی که میخواهند خود را بیازمایند و از آئینه استفاده نمایند، در خلوت، به آئینه می نگرند، کسی در میان مردم و اجتماع به آرایش نمی بردارد و به آئینه نگاه نمی کند، پس آئینه، نقایص و عیوب ما را در خلوت میگوید، شما هم اگر خواستید عیب کسی را بگوئید، در جای مناسب و خلوتی یاد آوری کنید، در انتظار مردم عیب او را نگوئید که در این صورت قهراً به او امانت خواهد شد و در پیش مردم سرافکننده خواهد گشت.

۲- آئینه هنگامی که نقایص ما را میگوید، آنقدر با حسن نیت! همراه است که خود ما را متوجه به عیب خودمان می سازد،! به اصطلاح کاری میکند که ما عیب خود را درک کرده آنرا بر طرف می سازیم! پس شما هم اگر اشتباه کسی را خواستید بگوئید، سعی کنید که او به اشتباهش پی ببرد

اگر موفق به این کار شدید در رفع عیب اوصد در صد موفق خواهید شد، بخاطر داشته باشید که آئینه در حال گفتن عیبا، جار و جنجال و سرو صداهای نمی اندازد!

۳- تا کنون کسی ندیده است که شخص عاقلی از یاد آورهای آئینه ناراحت شود و از گفته های او برنجد، بلکه از گفته های آن استقبال کرده فوراً به رفع عیوب خود می پردازد، آری ممکن است هنگامی که آئینه نقایص دیوانه ای را باز گوئی کند، شخص دیوانه بجای آنکه نقص خود را بر طرف کند آئینه زیبا و بی گناه را بشکند! پس شما هم، همیشه از کار دیوانگان دوری جوئید و از انتقاد صحیح دوستان با آغوش باز استقبال نمائید و از آنان تشکر کنید بضمون آن شعر معروف: «آینه چون عیب تو بنمود راست خود شکن آئینه شکستن خطاست».

بسیاری از بزرگان و دانشمندان، از دوستان و نزدیکانشان تقاضا میکردند که هرگاه عیبی یا اشتباهی را از آنان دیدند متذکر شوند، شما هم نه تنها از انتقاد دوستان ناراحت نشوید بلکه از آنان درخواست کنید که عیوب شما را یادداشت کرده به موقع، باشما بی پرده در میان بگذارند.

هر وقت در آسمان حیات خود قطعه ابری مشاهده کردیم نباید همه چیز را سیاه و ظلمانی پنداریم و بایستی متوجه آفتاب و روشنائی کامل هم که در پس آن ابرهای موقت موجود است بشویم (اسمایلز)